

شجره‌ی طوبی از منظر تأویل

چکیده: لفظ طوبی در قرآن یک بار به کار رفته است، اما حقیقت طوبی که در کتب روایی و تفسیری صادره از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام به درجات و مراتب گوناگون حقیقی و مصداقی به آن اشاره شده است، به وفور یافت می‌شود.

مرتبه‌ی والای طوبی، ولایت خدای سبحان، نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و اولاد ایشان از رحم حضرت فاطمه علیها‌السلام است.

طوبی، حقیقت ایمان است که در قالب محبت و ولایت توسط خداوند در قلب شیعیان و محبین نهاده شده است. در روایات از دوست داران و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان مصادیق و مراتب تنزل یافته‌ی طوبی یاد شده است.

طوبی همان سدره‌المنتهی است که در شب معراج به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشان داده شد و در احادیث معراج اوصاف آن بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: طوبی، سدره‌المنتهی، ولایت، شیعه، شجره‌ی طیبه، محبت.

فاطمه شمسایی

(نویسنده‌ی مسئول)

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد

علوم قرآن و حدیث

دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد تهران مرکزی

omide86@yahoo.com

دکتر سیدمحمد رضوی

استادیار

دانشگاه آزاد اسلامی

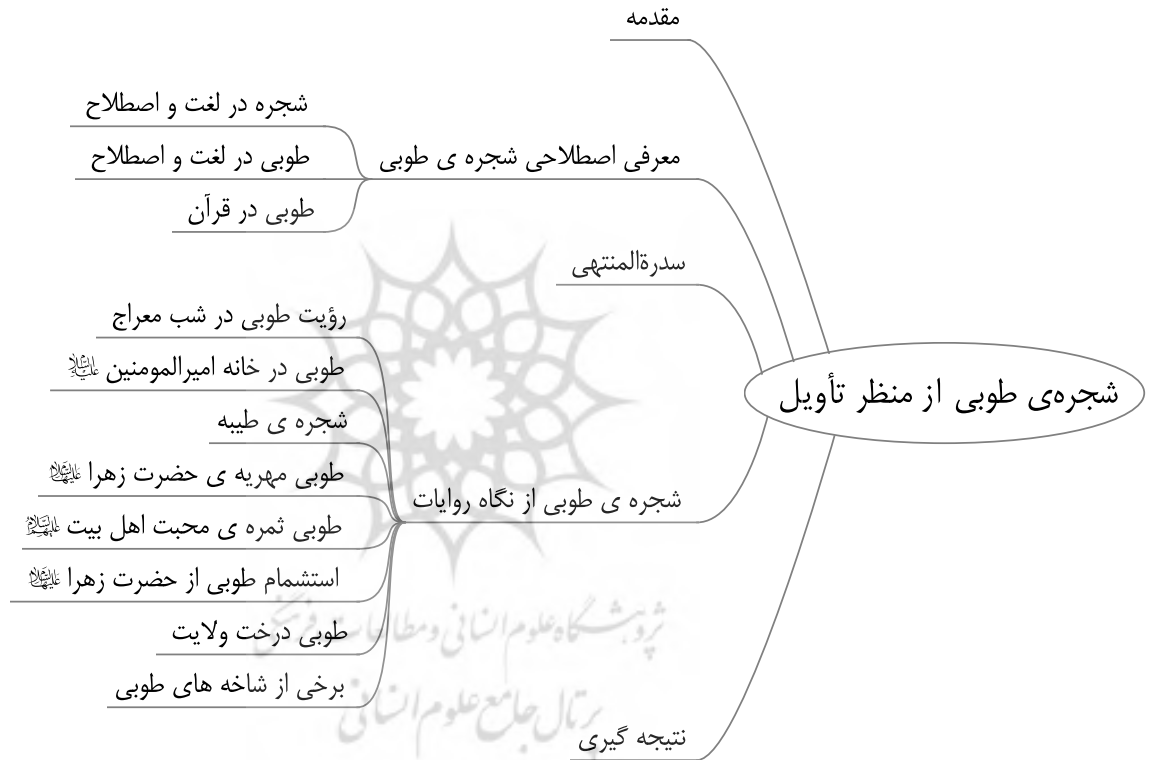
واحد تهران مرکزی

DsmRazavi@yahoo.com

پیشینه‌ی مقاله

دریافت: ۹۴/۰۸/۱۷

پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۹



۱. مقدمه

اگرچه در قرآن کریم، لفظ «طوبی» فقط یک بار آمده است، اما روایات تفسیری و غیرتفسیری در باب طوبی غیر قابل شمارش است که در این مقاله اندکی از آن ارائه می‌شود.

در این نوشتار، ضمن معرفی طوبی و شجره‌ی آن و تعابیر مشابه با آن و بحث پیرامون مصادیق و مفاهیم حول محور طوبی، سعی بر شناخت هر چه دقیق‌تر حقیقت طوبی شده است.

در روایات مختلف، حقیقت و باطن طوبی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام معرفی می‌شود که با توجه به درجه‌ی ایمان و محبت، انسان مؤمن در مسیر درک این حقیقت گام بر می‌دارد، در عین حال خود محبت هم عنایت خداوند به بندگان خاص خود است.

بنابراینچه از روایات بر می‌آید، طوبی بهره‌ای خاص برای گروهی خاص از مؤمنان و شیعیان است که ضمن پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و تبعیت و پیروی از دستورات قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام لیاقت دست یابی به آن را پیدا می‌کنند.

۲. معرفی اصطلاحی شجره‌ی طوبی

۱.۲. شجره در لغت و اصطلاح

شجره، چیزی است که بلندی و ارتفاع دارد و شاخه‌های آن در هم است (ابن‌فارس، ج ۳، ص ۲۴۶). شجر، از گیاهان است و هرچیزی است که به خودی خود بالا برود (ابن منظور، ج ۷، ۲۵). بنابراین شجره، یک پدیده رشد یابنده، دارای

ریشه و ساقه و... است که با محیط پیرامون خود در ارتباط با واسطه و بلا واسطه است.

از آن جایی که شجره، گیاهی است که بر اصل و ریشه استوار است در اصطلاح بر اصل و دودمان هم اشاره دارد. (همان، ۳۶) در حدیثی از رسول خدا ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین ع آمده است: «یا علی الناس من شجرشتی و انا و انت من شجره واحده» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۲۰۸) یعنی: یا علی مردم از درختان پراکنده و من و تو از یک درختیم.

۲.۲. طوبی در لغت و اصطلاح

طوبی از ماده‌ی «طیب» است. (ابنفارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۴۳۰) و اهل لغت آن را مصدری بر وزن «فعلی» و یا مؤنث «أطیب» دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۷۹). واژه‌ی مقابل آن «ویل» به معنای «وای و بدا به حال» که اشاره به شدت ناراحتی از کسی است و یا به معنای «چاهی در جهنم» می‌باشد. «ویل لكل همزة لمزة» (الهمزه، ۱)

شیخ طوسی رحمته در تفسیر التبیان برای لفظ طوبی معانی مختلفی، همچون: زندگی پاک، فرح و چشم روشنی، نیکویی، چه خوب است، زندگی مورد غبطه، زندگی به همراه خیر و کرامت، بهشت، درختی در بهشت، پاکیزه‌ترین چیزها، و خوشا به حال ذکر کرده و در پایان، همه‌ی آنها را به هم نزدیک و مربوط دانسته است. (نک: همو، بیتا، ج ۶، ص ۲۵۰)

بیشتر این معانی از باب تطبیق بر مصداق است، نه اینکه از ظاهر آیه استفاده شده باشد. و اما در روایات معصومین علیهم‌السلام از جمله مصادیقی که به آن تصریح شده، همان درختی است که در خانه‌ی بهشتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام قرار دارد. (طباطبایی، بیتا، ج ۱۱، ص ۳۵۷). تفاسیر روایی نیز پس از تفسیر آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی الرعد، به نقل این روایات پرداخته‌اند ولی با جمع بندی روایات دیگر و قرار دادن آنها در کنار این روایات در می‌یابیم که نمی‌توان طوبی را تنها به معنای درخت یاد شده دانست، چرا که در دست‌های از روایات به یقین طوبی به معنی درخت بهشتی نیست، بلکه با واژه‌هایی، چون «خوشا به حال» و «خوشا زندگی» سازگارتر است.

در معنای «درخت بهشتی طوبی»، احادیث بسیاری از طرق شیعه و اهل سنت روایت شده است، و از ظاهر آن برمی‌آید که در مقام تفسیر آیه نبوده، بلکه ناظر به باطن آیه است.

بنابراین، حقیقت شجره‌ی طوبی، همان ولایت خدای سبحان است و امیرالمؤمنین علیه السلام صاحب آن ولایت و از میان امت پیامبر صلی الله علیه و آله، او اولین گشاینده‌ی در آن است و مؤمنان اهل ولایت، اتباع و پیروان او هستند، و خانه‌ی او در بهشت نعیم، که بهشت ولایت است با خانه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی است و تزامم و اختلافی میان آن دو نیست.

در واقع می‌توان چنین نتیجه گرفت که «طوبی» یک معنای لغوی و عام «زندگی خوش، خوشا به حال» دارد و یک معنای اصطلاحی و خاص «درخت بهشتی» و می‌توان گفت معنای اصطلاحی آن از معنای لغوی اخذ شده است.

بدین گونه که عرب برای اینکه بگوید فلان شخص سعادت‌مند و خوشبخت است، از واژه‌ی طوبی استفاده می‌کند، و از آنجا که هرکس در آخرت، از سایه‌ی درخت رسالت و ولایت نبوی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام بهره‌مند شود، انسان خوشبخت و سعادت‌مندی خواهد بود، برای نام آن درخت نیز از واژه‌ی طوبی استفاده شده است (همان، ج ۱۱، ص ۳۶۹).

۳.۲. طوبی در قرآن

لفظ طوبی در قرآن فقط در یک جا به کار برده شده است و آن را ثمره ایمان و عمل صالح میدانند. ﴿الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب﴾ (الرعد، ۲۹) یعنی: کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، شادکام و نیک فرجام هستند.

با توجه به ارتباط و همراهی ایمان و عمل صالح در بسیاری از آیات قرآن می‌توان نتیجه گرفت که:

طوبی تنها شامل حال مؤمنان است و کافر و فاسق و منافق از آن بهره‌ای ندارند.

آنچه در اینجا حائز اهمیت است و موضوع بحث می‌باشد حقیقت طوبی است. تفاسیر و روایات بسیاری در ذیل آیه بیان شده است و به معرفی و شناخت طوبی می‌پردازد که به اجمال برای شناخت طوبی به برخی از این روایات و تفاسیر اشاره می‌کنیم.

۳. سدرۃ المنتهی

در قرآن کریم در آیه ۱۴ و ۱۵ از سوره‌ی النجم آمده است: «عند سدرۃ المنتهی عندها جنة المأوی» یعنی: در کنار سدرۃ المنتهی آنجا که جنة المأوی است.

کلمه‌ی «سدر» به معنای جنس درخت سدر و کلمه‌ی «سدره» به معنای یک درخت سدر است و کلمه‌ی «منتهی» احتمالاً نام مکانی است و شاید مراد از آن منتهای آسمان‌ها باشد به دلیل اینکه می‌فرماید: «جنة المأوی» پهلوی آن است و ما میدانیم که جنة المأوی در آسمان‌ها است چون در آی‌های فرموده است: «و فی السماء رزقکم و ما تعدون» (الذاریات، ۲۲) یعنی: و روزی شما و آنچه وعده داده می‌شوید در آسمان است (نک: المیزان، بیتا، ج ۱۹، ص ۴۹).

«سدرۃ» (بروزن حرفه) مطابق آنچه غالباً مفسران علمای لغت گفته‌اند؛ درختی است پر برگ و سایه و پرسایه و تعبیر به «سدرۃ المنتهی» اشاره به درخت پر برگ و پرسای‌های است که در اوج آسمان‌ها، در منتهی‌الیه عروج فرشتگان و ارواح شهدا، و علوم انبیا، و اعمال انسان‌ها قرار گرفته است، جایی که ملائکه پروردگار از آن فراتر نمی‌روند، جبرئیل نیز در سفر معراج به هنگامی که به آن رسید متوقف شد.

درباره‌ی «سدرۃ المنتهی» هر چند در قرآن مجید توضیحی نیامده، ولی در اخبار و روایات اسلامی توصیف‌های گوناگونی پیرامون آن شده و همه بیانگر این واقعیت است که انتخاب این تعبیر به عنوان یک نوع تشبیه، و به جهت تنگی و کوتاهی لغات ما از بیان این‌گونه واقعیات بزرگ است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده: «از آن روی به این نام خوانده شد که رساندن اعمال بندگان به آسمان در اینجا به منتهی و پایان خود می‌رسد و پایان محلی است که یک آفریده‌ی خداوند می‌تواند تا آن اندازه به خدا نزدیک شود. سدرۃ درختی است بر بالای آسمان هفتم در اصل عرش و شاخ و برگ آن بر سر همه‌ی عالمیان است و علم ملائکه و سایر مخلوقات به آن منتهی می‌شود و از آن در نمی‌گذرد و آنچه ورای آن است جز خدا نمی‌داند و از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که: «از من درباره‌ی مادون عرش بپرسید».

از رسول خدا ﷺ روایت شده که چون شب معراج به «سدره» رسیدم جبرئیل به من گفت: این «سدره المنتهی» است هر کس از امت که بر نهج و طریقه تو مرده باشد به اینجا خواهد رسید (کاشانی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶، ص ۴۷).

و نیز گفته‌اند: آن درخت طوبی است، و علی بن ابراهیم روایت کرده: «آن درختی است که شیعیان در بهشت در سایه‌ی آن به گفتگوی با یکدیگر می‌نشینند» (مدرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۴، ص ۱۵۰).

همچنین نقل شده است که «سدره المنتهی» همان درخت معروف «طوبی» است، و نیز گفته شده، «سدره» درخت نبوت است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲۳، ص ۳۸۹).

رسول خدا ﷺ پس از آنکه از معراج بازگشت، به دخترش، حضرت فاطمه علیها السلام چنین گزارش داد:

«فلما انتهت الی سدرة المنتهی وجدت مكتوبا علیها انی انا لله لا اله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقتی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره فقلت لجبرئیل و من وزیرى قال علی بن ابی طالب... فلما جاوزت السدرة... فلما دخلت الجنة رایت فی الجنة شجرة الطوبی اصلها فی دار علی علیه السلام و لا فی الجنة قصر و منزل الا و فیها فتر منها» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۴۰۸) یعنی: در شب معراج، به درخت سدره المنتهی رسیدم، روی آن نوشته بود: «به راستی من پروردگار یکتا هستم که جز من خدایی نیست. محمد صلی الله علیه و آله برگزیده‌ی آفریدگانم است؛ وی را به وزیرش تأیید و یاری رساندم. از جبرئیل سؤال کردم: وزیر و جانشینم کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام... از آنجا گذشتم... تا آنکه در فردوس فرود آمدم و درخت طوبی را دیدم که ریشه و تنه آن، در سرای علی علیه السلام بود، در بهشت، کاخ و کاشانه‌ای نیست، جز آنکه شاخه‌ای از درخت طوبی در آن هست.

آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «ان الله تعالى القی فی روعی ان حبه شجرة طوبی التی غرسها الله تعالى بیده» (همان، ج ۲۷، ص ۱۲۹) یعنی: خدای بلندمرتبه، در قلب من انداخت که دوستی و محبت علی علیه السلام درخت طوبایی است که خداوند به دست خویش در قلب مؤمنان نشانده است.

۴. شجره‌ی طوبی از نگاه روایات

احادیث و روایات تفسیری فراوانی به جهت معرفی حقیقی و باطن طوبی از ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده است. در این دسته از روایات حقیقت طوبی و مصادیق اعلای آن را به شیعیان اختصاص می‌دهد. بخش عمده‌ای از این روایات مربوط به شب معراج حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و رؤیت طوبی توسط ایشان می‌باشد:

۱.۴. رؤیت طوبی در شب معراج

در تفسیر قمی از ابن عمیر از هشام بن سالم از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «... و اذا شجرة لو ارسل طائر فی اصلها- ما دارها تسعمائه سنة و و لیس فی الجنة منزل الا و فیها فرع منها- فقلت ما هذه یا جبرئیل فقال هذه شجرة طوبی، قال الله طوبی لهم و حسن مآب، قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فلما دخلت الجنة رجعت الی نفسی- فسألت جبرئیل عن تلك البحار و هولها و اعاجیبها قال هی سادات الحجب التي احتجب الله بها- و لو لا تلك الحجب لهتك نور العرش کل شیء فیہ، و انتهیت الی سدرة المنتهی فاذا الورقة منها تظل به امة من الامم- فکنت منها کما قال الله تبارک و تعالی: «قاب قوسین أو أدنی» (همو، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۱). یعنی: ... ناگهان درختی دیدم که اگر پرندهای را روانه کنند که دور آن پرواز کند و نهصد سال پربزند آن را دور نمی‌زند و در بهشت خانه‌ای نیست مگر در آن یک شعبه از آن درخت هست. پس گفتم: ای جبرئیل این چیست؟ گفت: این درخت طوبی است. خداوند فرمود: ﴿طوبی لهم و حسن مآب﴾. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: پس هنگامی که داخل بهشت شدم به خود آمدم و از جبرئیل درباره‌ی این دریاها و اطرافش و عجایب آن سؤال کردم، گفت: اینها خیمه‌های پوشیده‌ای است که خدا توسط آنها در حجاب است و اگر این حجاب‌ها نبود نور عرش هرچه در آن بود را می‌شکافت. و در نهایت به سدرة‌المنتهی رسیدم که هر ورقی از آن بر سر امتی از امت‌ها سایه افکنده بود و از آن در جایگاهی بودم چنان که خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿قاب قوسین او ادنی﴾.

این حدیث گویای داستان معراج رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از زبان ایشان است؛ که در اینجا به مناسبت بحث اشاره به «شجره‌ی

طوبی» ارائه شد؛ در جایی دیگر در قرآن، خدای متعال وقتی بهشت مؤمنین را در سوره‌ی مبارکه «محمد» توصیف می‌کند و نعمت‌های بهشتی را یاد می‌کند، می‌فرماید: ﴿و انهار من خمر لذة للشاربین﴾ (محمد ﷺ، ۱۵)

یکی از ویژگی‌های بهشت متقین این است که در آن نهرهایی از خمر جاری است، نهری که می‌توانند بخورند و بیاشامند و شستشو کنند. تلخی و مستی و بی‌عقلی در آن نیست؛ تمام آن نور و حضور و لذت است. این نهر ظاهرش، خمر است و حقیقتی دارد.

﴿و انهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من خمر لذة للشاربین و انهار من عسل مصفی﴾ (محمد ﷺ، ۱۵) یعنی: نهرهایی از شیر که طعم آن تغییر نمی‌کند و نهرهایی از شراب که برای نوشندگان لذت است و نهرهایی از عسل مصفا.

باطن نعمت‌های بهشتی، رحمت خداست و امامان معصوم ﷺ هم معدن آن رحمت و اسعه هستند. هرچه در بهشت از نعمتهاست شعاعی از رحمت و لطف امام ﷺ است که فرمود: «فانه علمهم يتلذذ منه شيعتهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۴، ص ۳۲۱)

علم و معارف توحیدی اهل بیت ﷺ باطن نهر است که در قالب آن ظاهر می‌شود و شیعیان، با معرفت آن غرق در لذت و خوشی می‌شوند.

باطن تمام نعمت‌های بهشتی چیزی جز رحمت الهی و ظهور ولایت ائمه اطهار ﷺ نیست، هرچند ظاهر آن نهر و حور و قصور و همه‌ی نعمتهاست؛ از این جهت است که مؤمنان، در بهشت هم بیش از اینکه از ظاهر نعمت‌ها لذت ببرند از باطن آن لذت می‌برند.

بهشت مقامات و درجاتی دارد؛ عده‌ای ظواهر بهشت را پشت سر گذاشته و هرچه می‌خورند از دست امیرالمؤمنین ﷺ گرفته و دائم مهمان اهل بیت ﷺ هستند و از فضایل صاحبخانه بیش از همه بهره‌مند می‌شوند؛ کسانی هم هستند که در بهشت درجاتشان پایین‌تر است؛ نه فقط بهشت درجات و باطنش اسماء الهی و مقامات اهل بیت ﷺ است، بلکه تمام خوبی‌ها، خیرات و صفات نیکو دری به وادی ولایت امیرالمؤمنین ﷺ است.

به تعبیر دیگر اینکه هرصفت خوبی که در وجود انسان است و هر عمل پسندیده‌ای که از او سر میزند، حقیقت آن نورانیتی از وجود امیرالمؤمنین علیه السلام است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نحن الصلاة فی کتاب الله ﷻ و نحن الزکاة و نحن الصیام و نحن الحج و نحن الشهر الحرام و نحن البلد الحرام» (همان، ج ۲۴، ص ۳۰۳).

همچنین در زیارت جامعه کبیره آمده است: «ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و مأواه و منتهاه» (همان، ج ۹۹، ص ۱۳۲).

در این فراز امام هادی علیه السلام شش خصوصیت برای خیر بیان فرموده است. باطن خیر وجود ائمه معصومین علیهم السلام و پذیرش ولایت ایشان است.

به عنوان نمونه در خصوص ماه‌ها که برای هرکدام فضائل است و اعمالی برای آن بیان شده، باطن آنها، امیرالمؤمنین علیه السلام است. روی این نکته باید متمرکز شد و این مطلب را دریافت که در همه چیز باید به دنبال امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ اگر به ایشان راهی پیدا شد آنگاه می‌توان به تمام آن فضائل دست پیدا کرد.

نماز، زکات، حج و تمام خوبی‌ها بابتی به سوی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. کما اینکه تمام بدی‌ها راهی به سوی اولیاء طاغوت و جهنم است.

۲.۴. طوبی در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که از رسول خدا ﷺ درباره‌ی طوبی سؤال شد، فرمودند: «شجرة اصلها فی داری و فرعها علی اهل الجنة. ثم سئل عنها مرة اخرى فقال: فی دار علی علیه السلام، فقیل له فی ذلک؛ فقال: ان داری و دار علی علیه السلام فی الجنة بمکان واحد» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۲۹۱). یعنی: طوبی درختی است که اصل و ریشه‌ی آن در خانه‌ی من و شاخه‌هایش بر اهل بهشت گسترده است. بار دیگر از ایشان درباره‌ی طوبی سؤال شد، پس فرمود: در خانه علی علیه السلام است. پس چون درباره‌ی اختلاف این دو حدیث سؤال شد، فرمود: خانه من و علی علیه السلام در بهشت یکی است.

ثعلبی از ابن عباس روایت کرده است که گفت: «طوبی شجرة فی الجنة فی دار امیرالمؤمنین علیه السلام. و لیس احد من شیعتہ الا و فی دارة غصن من اغصانها و ورقة من اوراقها یستظل تحتها امة من الامم» (قمی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴۱). یعنی: طوبی درختی در بهشت در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام است و احدی از شیعیان نیست مگر اینکه در خانه‌اش شاخه‌ای از شاخه‌های آن و یا برگی از برگ‌هایش می‌باشد که در زیر سایه‌ی آن امتی از امت‌هاست.

مرحوم محدث نوری استاد مرحوم شیخ عباس قمی روایتی نقل کردند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در ماه شعبان شجره‌ی طوبی شاخ و برگ‌های خودش را به دنیای شما نازل می‌کند، این باطن ماه شعبان است. شجره‌ی طوبی شجره‌ای است که اصلش در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام است. در روایات متعدد آمده که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اصلش در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام است و یک شاخه‌ای از آن در خانه‌های مؤمنان در بهشت است.

در زیارت ششم امیرالمؤمنین علیه السلام در مفاتیح الجنان آمده است: «السلام علی شجرة طوبی و سدرة المنتهی» شجره‌ی طوبی خود امیرالمؤمنین علیه السلام است و در خانه‌ی هر مؤمنی یک شاخه از شاخه‌های ولایتشان موجود است.

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس فرمودند: «حقوق برادر مسلمان هفت حق است. عرض کرد بفرمایید، امام علیه السلام فرمودند: اگر بگویم ممکن است رعایت نکنی و گرفتار شوی. می‌ترسم از گفتن آن به تو. گفت: به خدا توکل می‌کنم. حضرت شروع کردند به شمردن حقوق برادر مؤمن و در پایان فرمودند: اگر این حقوق را رعایت کردی ولایت تو به ولایت ما متصل می‌شود. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۱۲۰) یعنی یک شعبه‌ای از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در هر مؤمنی هست. این باطن شاخه‌های طوبی است که در خانه‌های مؤمنان است.

۳.۴. شجره‌ی طیبه

در قرآن مجید آمده است: «الم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اكلها کل حین یاذن ربها» (ابراهیم، ۲۴-۲۵) خدای متعال برای کلمه‌ی طیبه یعنی کلمه‌ی «لا اله الا الله» که کلمه‌ی توحید و حقیقت توحید است، مثالی زده، می‌فرماید: کلمه‌ی توحید مثل درختی پاک است که سراسر آن طهارت است

غفلت، ظلمت، آلودگی، دوری از خدا و شرک در آن راه ندارد؛ ریشه‌اش در اعماق زمین و شاخ و برگ‌هایش در آسمان است. اصل شجره‌ی طيبة اهل بیت علیهم‌السلام هستند و حریم آنها محیط ولایت الهی است. خودشان فوق سماوات هستند، اگر کسی وارد محیط ولایت آنها شده و سماواتی شود دائماً از میوه‌های شجره‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام برخوردار است و قلبش به یقین نورانی می‌شود.

یقین و توکل میوه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. میوه‌های وجودی ایشان صفات حمیده و اعمال صالحه است که از این شجره مدام ساری و جاری می‌شود. اگر کسی وارد وادی ولایتشان، یعنی وارد فرع این شجره شد از میوه‌های این درخت که علم امام و معارف است برخوردار می‌شود و سیر می‌کند تا به اصل شجره و به حقیقت امیرالمؤمنین علیه‌السلام برسد. گفته شد، اصل و ریشه این درخت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنه‌ی این درخت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و شاخه‌هایش ائمه علیهم‌السلام و برگ‌هایش شیعیان هستند. یک شعاعی از ریشه‌ی درخت در شاخ و برگش هم هست اگر به ریشه وصل نبود تغذیه نمی‌کرد؛ هر برگی از ریشه تغذیه می‌کند؛ پس یک پرتویی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در وجود همه‌ی محبینش هست. این مطلب به عبارت دیگر نیز گفته شد: امیرالمؤمنین علیه‌السلام شجره‌ی طوبی است یا شجره‌ی طوبی در بهشت در خانه‌ی ایشان است، و در وجود هر مؤمن یک شاخه از شجره‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام هست و مؤمن بودنش به همین دلیل است. اگر این تجلی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در انسان نباشد، مؤمن نیست، زیرا امیرالمؤمنین علیه‌السلام کلمه‌ی ایمان است.

۴.۴. طوبی مهریه‌ی حضرت زهرا علیها‌السلام

از عمر بن شمر از جابر از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که فرمودند: «رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جالس ذات یوم اذ دخلت ام ایمن فی ملحفتها شیء فقال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا ام ایمن ای شیء فی ملحفتک؟ فقالت: یا رسول الله فلانة بنت فلانة املکوها فثروا علیها و اخذت من نثارها شیئا، ثم ان ام ایمن بکت، فقال لها رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ما یبکیک؟ فقالت: فاطمة علیها‌السلام زوجت‌ها فلم تنثر علیها شیئا! فقال لها رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: لا تبکین فوالذی بعثنی بالحق بشیرا ونذیرا لقد شهد املاک فاطمة علیها‌السلام جبرئیل و میکائیل و إسرافیل فی ألوف من الملائكة، و لقد امر الله طوبی فنثرت علیهم من حللها و سندسها و إستبرقها و درها و زمردها

و یاقوتها. و عطرها، فأخذوا منه حتی ما دروا ما یصنعون به، ولقد نحل الله طوبی فی مهر فاطمة ع، فهی فی دار علی بن ابی طالب ع (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۲۱۱). یعنی: روزی از روزها که رسول خدا ص نشسته بود، ام‌ایمن وارد شد و در زیر چادر و روپوش خود چیزی داشت. حضرت ص فرمود: ای ام‌ایمن! در زیر روپوش و عبای خود چه داری؟! ام‌ایمن گفت: یا رسول خدا! فلانه دختر فلانه را تزویج کردند، و براو نثار کردند، و من مقداری از نثار او را برداشتم. و پس از این ام‌ایمن گریه کرد. پیامبر ص فرمود: چرا گریه می‌کنی؟! ام‌ایمن گفت: فاطمه ع را شما تزویج کردی و چیزی براو نثار نکردی؟! حضرت ص فرمود: گریه مکن! سوگند به آن کسی که مرا به حق، پیامبر بشیر و نذیر قرار داده است، که بر تزویج فاطمه ع جبرئیل و میکائیل و اسرافیل در میان هزاران نفر از فرشتگان حضور داشتند، و خداوند به درخت طوبی امر کرد تا از زینت‌ها و جواهرها و لباس‌های سندس و استبرق خود، و از دُر و زمرد و یاقوت و عطر خود بر آنها نثار کرد، و آن فرشتگان به قدری از آن نثارها برداشتند که ندانستند با آن چه کار کنند! و خداوند طوبی را به عنوان مهریه فاطمه ع به او بخشید؛ و طوبی در خانه‌ی علی بن ابی طالب ع است.

چنانچه گفته شد، آن درختی که توحید به واسطه‌ی آن در همه‌ی عالم منتشر می‌شود رسول الله ص است؛ کلمات رسول الله ص همه‌ی دین است و همه‌ی دین کلمه‌ی «لااله الاالله» است؛ اگر همه‌ی دین در یک کلمه خلاصه شود آن کلمه «لااله الاالله» است؛ این دین را رسول خدا ص در دل مؤمنان جا داد، ابتدای امر رسول خدا ص به واسطه‌ی «ولایت»، توحید را در دل‌ها برد و بعد از آن مؤمنان از شیعیان را، اوراق و برگ‌های این درخت معرفی کرد. یعنی محصول کلمه‌ی «لااله الاالله» به واسطه‌ی «ولایت» شیعه پروری و تربیت شیعیان است؛ از اینرو خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب﴾ (الرعد، ۲۹).

آنهایی که مؤمن هستند و عمل صالح دارند، دارای طوبی هستند. همیشه پیامبر اکرم ص به روی شانه‌ی امیرالمؤمنین ع می‌زدند و می‌فرمودند: «یا علی این طوبی اصلها فی دارک و أغصانها فی دور شیعتک» (قمی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴۱).

آن درختی که درخت رسول الله ﷺ است به خانه‌ی امیرالمؤمنین علیؑ آمده و نبوت به واسطه‌ی ولایت در عالم جاری شده است. اصل این ولایت در اصطلاح روایی، درختی به نام «طوبی» است که صاحب این درخت حضرت فاطمه علیها السلام است، لذا در روایت آمده: «و صاحبة طوبی لقد نحل الله طوبی فی مهر فاطمة علیها السلام فجعلها فی منزل علی علیها السلام» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۲۱۱).

آن شجره‌ی طیبه از رسول الله ﷺ به فاطمه علیها السلام داده و ریشه و حقیقت ولایت شد؛ لذا اولاد حضرت فاطمه علیها السلام به واسطه‌ی مادرشان ثمرات این فضای ولایت هستند.

روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است، در تفسیر فرات کوفی آمده که پیامبر ﷺ فرمودند: «فکلما اشتقت الی الجنة قبلتها فأجد منها ریح الجنة و أجد منها رائحة شجرة طوبی» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۵) یعنی: هر موقع مشتاق بهشت می‌شدم، فاطمه را می‌بوسیدم از او بوی بهشت و رایحه‌ی درخت طوبی را دریافت می‌کردم.

علت اینکه پیامبر اکرم ﷺ سینه‌ی فاطمه علیها السلام را می‌بوسید و می‌بویید اشاعه‌ی جریان طوبی است، شیعیان باید طوبی را درک کنند و کسانی می‌توانند از این شجره‌ی فاطمی بهره‌مند شوند که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند.

در ابتدای ماه رجب فرشته‌ای به زمین نازل شده و می‌فرماید: «طوبی للذاکرین، طوبی للطائعین و یقول الله تعالی { انا جلیس من جالسینی» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۵۶۷) یعنی: هر کدام از شیعیان که یاد خداوند باشد متصل به آن درخت طوبی می‌شود و می‌تواند از حضرت فاطمه علیها السلام بهره‌مند شود.

۵.۴. طوبی ثمره‌ی محبت اهل بیت علیهم السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرماید: «طوبی لمن رسخ حبنا اهل البیت» (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۲۶۵) یعنی: کسی که حب اهل بیت علیهم السلام به جانس بنشیند از طوبی بهره‌مند می‌شود؛ در روایتی دیگر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می‌فرماید: «طوبی لشیعتنا، المتمسکین بحبنا فی غیبة غائبنا علیهم السلام» (خزاز قمی، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۷۰) یعنی: آن شیعیانی که حب ما به جانشان در زمان غیبت نشسته است... در ادامه حضرت ﷺ فرمودند: «اولئک منا و نحن منهم، قد رضوا

بنا ائمه، فرضینا بهم شیعۀ، و طوبی لهم ثم طوبی لهم» یعنی: آنها از ما و ما از آنها هستیم به امامت ما راضی شدند به شیعۀ بودن آنها راضی شدیم و خوشا به حال آنها پس خوشا به حال آنها.

تعبیر «طوبی لهم» یعنی مؤمنان به شجره‌ی فاطمی متصل شده‌اند. اسم فاطمه زهرا علیها السلام مناسب با آن شجره‌ی طوبی است، اینکه فاطمه را فاطمه نامیدند یک نکته قرآنی دارد، زیرا ریشه‌ی کلمه فاطمه در قرآن است. حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی که نشان داد همه‌ی این ماه و ستاره از بین رفتنی است اظهار داشت که من روی خودم را به کسی می‌کنم که: ﴿إِنِّي وَجْهت تَوْجِهی لِلذی فطر السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ حَنِیفاً وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ﴾ (الرعد، ۷۹) یعنی: من روی خودم را به کسی می‌کنم که شکافنده آسمان و زمین است...

«فطر» به معنای شکوفاکننده آسمان و زمین، حقیقت آسمان و زمین و همه‌ی خلایق نزد خداوند متعال است و خداوند متعال این مطلب را در قرآن بیان کرده است. آنجا که می‌فرماید: ﴿وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نَنْزِلُهُ اِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ﴾ (الحجر، ۲۱).

بنابراین خداوند «فاطر السماوات و الارض» است و نزد او خزائنی است که به اندازه و قدر مشخصی نازل می‌کند. باز در قرآن کریم آمده است، حضرت آدم وقتی خطایی کرد و خواست توبه کند کلماتی را از پروردگارش دریافت کرد ﴿فَتَلَقَى اَدمَ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَاتٍ فَتابَ عَلَیْهِ...﴾ در روایات آمده که جبرئیل آن کلمات را به او القا کرد و گفت بگو: «قل یا فاطر بحق فاطمه» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۲۴۵). از طرفی روایت بیان می‌دارد که خداوند فرمود: «انا الفاطر و هی فاطمة و شققت اسمها من اسمی». بنابراین استدلال، معین می‌شود اسم «فاطمه» از «فاطر» است، یعنی فاطریت خداوند وقتی می‌خواهد خودش را در عالم نشان بدهد فاطمه می‌شود. از این رو در روایت است که: «فکان اسمها فی الدار الدنیا فاطم و فاطر». (همان، ۴۳)

اکنون باید ارتباط فاطر و فاطم مشخص شود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ وصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن و فصاله فی عامین ان اشکرلی و لوالذیک الی المصیر﴾ (لقمان، ۱۴)

«فصاله» یعنی مادر در دوسال با شیر خودش کاری می‌کند که برای فرزند اولاً رشد و شکوفایی حاصل شود، ثانیاً از هر غذای دیگری بی‌نیاز شود؛ اصل کلمه‌ی «فصال» انقطاع است یعنی مادر، کودک را از هر غذای دیگر به عبارتی از هر کمال دیگر منقطع می‌کند؛ زیرا آنقدر این شیر پر از حقایق و کمالات است که دیگر به هیچ غذایی نیاز نیست. «فصال» در لغت عرب مترادف با «فطام» است. فاصل یعنی منقطع کننده، فاطم هم یعنی منقطع کننده و اسم فاعل است. «فاطمه» یعنی خانمی که منقطع می‌کند؛ یعنی در عین اینکه انسان را شکوفا می‌کند، طوبی است. مؤمن را از هر مکتب، علم و رشد دیگر بی‌نیاز می‌کند. در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام هم هدایت به واسطه حضرت زهرا علیها السلام صورت می‌گیرد و اتصال به شجره طوبی و ولایت هم به واسطه‌ی ایشان است.

۶.۴. استشمام طوبی از حضرت زهرا علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یكثر تقبیل فاطمة علیها السلام فأنكرت ذلك عائشة، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: یا عائشة؛ إني لما أسرى بی إلى السماء دخلت الجنة فأدنی جبرئیل من شجرة طوبی و ناولنی من ثمارها فأكلت فحول الله ذلك ماء فی ظهري. فلما هبطت إلى الأرض واقعت خدیجة فحملت بفاطمة فما قبلتها قط إلا وجدت رائحة شجرة طوبی منها» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۲۱۲) یعنی: رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار فاطمه را می‌بوسید، این کار برای عایشه خوشایند نبود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود: عایشه! وقتی مرا به آسمان‌ها بردند، داخل بهشت شدم جبرئیل مرا نزدیک درخت طوبی برد و از میوه‌هایش به من داد و من خوردم، خداوند همان میوه را به صورت نطف‌های در پشتم درآورد. وقتی به زمین هبوط نمودم با خدیجه علیها السلام همبستر شدم و او به فاطمه علیها السلام حامله شد، و هیچ وقت او را نمی‌بوسم مگر آنکه بوی درخت طوبی را از او استشمام می‌کنم.

۷.۴. طوبی درخت ولایت

ابن عباس ذیل آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی الرعد ﴿طوبی لهم و حسن مآب﴾ روایتی را نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «لما أسرى بی فدخلت الجنة فإذا أنا بشجرة كل ورقه منها تغطي الدنيا و ما فیها تحمل الحلی و الحلل و الطعام ما

خلا الشراب و ليس فى الجنة قصر و لا دار و لا بيت إلا فيه غصن من أغصانها و صاحب القصر و الدار و البيت حليه و حله و طعامه منها فقلت: يا جبرئيل؛ ما هذه اشجرة؟ قال: هذه طوبى لك فطوبى لك و لكثير من امتك. قلت: فأين منتهاها (يعنى اصلها) قال: فى على بن أبى طالب ابن عمك عليه السلام» (فرات كوفى، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۲۱۱) يعنى: در شب معراج هنگامى كه داخل بهشت شدم درختى را ديدم كه هر برگى از آن، دنيا و آنچه در دنياست، را مى پوشانيد و در هر برگ آن هم زيورآلات و غذا وجود داشت. و هيچ قصر و خانه‌اى در بهشت نبود، مگر اينكه شاخه‌اى از اين درخت، در آن قصر يا خانه موجود بود و زيور و غذای صاحب آن قصر و خانه از اين درخت طوبى تأمين ميشد. پس گفتم: اى جبرئيل اين درخت چيست؟ گفت: اين درخت طوبى است و خوشا به حال تو و بسيارى از امت تو. گفتم: انتهای اين درخت (اصل آن) كجاست؟ گفت: اصل اين درخت در وجود پسرعمويت على بن ابى طالب عليه السلام مى باشد.

همچنين امام باقر عليه السلام نقل مى كند كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمودند: «لما أسرى بى إلى السماء فصرت فى السماء الدنيا حتى صرت فى السماء السادسة فإذا أنا بشجرة لم أر شجرة أحسن منها و لا أكبر منها، فقلت لجبرئيل: يا حبيبي؛ ما هذه الشجرة؟ قال هذه طوبى يا حبيبي. قال: فقلت: ما هذا الصوت العالى الجهورى؟ قال: هذا صوت طوبى. قلت: أى شىء يقول؟ قال: يقول: وا شوقاه أليك يا على بن أبى طالب» (همان، ج ۲، ص ۲۱۲) يعنى: در شب معراج در آسمان ششم درختى ديدم كه زيباتر و بزرگتر از آن درخت را تا به حال نديده بودم، پس به جبرئيل گفتم: اى دوست من جبرئيل اين درخت چيست؟ گفت: اين درخت طوبى است اى حبيب من. گفتم: اين صدای زيبا و بلند كه مى آيد چيست؟ گفت: اين صدای درخت طوبى است. گفتم: چه مى گويد؟ گفت: مرتب مى گويد: اى على، چه قدر مشتاق تو هستم.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمودند: «ان الله تبارك و تعالى القى فى روعى ان حبه شجرة طوبى التى غرسها الله تعالى بیده» (مجلسى، ۱۴۳۰ ق، ج ۲۷، ص ۱۲۹) يعنى: خدای بلندمرتبه، در قلب من انداخت كه دوستى و محبت على عليه السلام درخت طوبايى است كه خداوند به دست خویش در قلب مؤمنان نشانده است.

اصل ايمان، خود اميرالمؤمنين عليه السلام است. ايمان، چيزى جز محبت اميرالمؤمنين عليه السلام نيست، آن چنان كه «حب على

ایمان، و بغضه کفر» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۴۷)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا حب و بغض جزو ایمان است؟ حضرت فرمودند: «هل الايمان الا الحب و البغض»

آیا ایمان چیزی جز حب و بغض است؟ بعد حضرت این آیه را خواندند ﴿حبب اليكم الايمان و زينه في قلوبكم و کره اليكم الکفر و الفسوق و العصيان﴾ (الحجرات، ۷) خدای متعال ایمان را در قلب شما محقق کرده و زینت داده است و... (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۷، ص ۹۴).

خداوند متعال، امیرالمؤمنین علیه السلام را در قلب‌ها محبوب کرده است. این حب به امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان است و ایمان چیزی جز این محبت نیست؛ و بغض، در جایی است که فرمود: سه کلمه‌ی کفر و فسوق و عصیان را مکروه شما کرده است و از آن کراهت دارید «کره اليک الکفر و الفسوق و العصيان الاول و الثاني و الثالث» (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۱۹). بنابراین روایت ایمان شیعیان کراهت از آنها و محبت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حب امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی اینکه شاعی از وجود ایشان در وجود شیعیان است. حب از عالم بالا است انسان نمی‌تواند خودش محبت و ایمان ایجاد کند. شاعی از امیرالمؤمنین علیه السلام در وجود انسان می‌آید که موجب علاقه و محبت به ایشان می‌شود و این محبت، ایمان است و باز همین نکته به دست می‌آید که اصل شجره‌ی طوبی در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام یا به تعبیر بهتر خود وجود مقدس ایشان است و شاخ و برگش در قلوب مؤمنین است.

۸.۴. برخی از شاخه‌های طوبی

«... ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله وإن الله تعالى إذا كان أول يوم من شعبان أمر بأبواب الجنة فتفتح و يأمر شجرة طوبى فتطلع أغصانها على هذه الدنيا ثم ينادى منادى ربنا صلى الله عليه وآله يا عباد الله هذه أغصان شجرة طوبى فتعلقوا بها تؤدكم إلى الجنان و هذه أغصان شجرة الزقوم فإياكم و إياها لا تؤديكم إلى الجحيم ثم قال فوالذى بعثنى بالحق نبيا إن من تعاطى بابا من الخير فى هذا اليوم فقد تعلق بغصن من أغصان شجرة طوبى فهو مؤديه إلى الجنان ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله فمن تطوع لله

بصلاة فی هذا اليوم فقد تعلق منه بغصن و من تصدق فی هذا اليوم فقد تعلق منه بغصن و من عفا عن مظلمة فقد تعلق منه بغصن و من أصلح بین المرء و زوجته و الوالد و ولده و القریب و قریبه و الجار و جاره و الأجنبی و أجنبیه فقد تعلق منه بغصن و من خفف عن معسر من دینه أو حط عنه فقط تعلق منه بغصن و من نظر فی حسابه فرأی دینا عتیقا قد یئس منه صاحبه فأداه فقد تعلق منه بغصن و من کفل یتیما فقد تعلق منه بغصن و من کف سفیها عن عرض مؤمن فقد تعلق منه بغصن و من قعد لذكر الله و لنعمائه یشکره فقد تعلق منه بغصن و من عاد مریضا و من شیع فیہ جنازة و من عزى فیہ مصابا فقد تعلق منه بغصن و من بر فیہ والديه أو أحدهما فی هذا اليوم فقد تعلق منه بغصن و من کان أسخطهما قبل هذا اليوم فأرضاهما فی هذا اليوم فقد تعلق منه بغصن و كذلك من فعل شیئا من سائر أبواب الخیر فی هذا اليوم فقد تعلق منه بغصن...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸، ص ۱۶۶) یعنی: رسول خدا ﷺ فرمودند: به درستی که خداوند ﷻ چون روز اول ماه شعبان می‌شود امر می‌کند به درهای بهشت پس باز می‌شوند و امر می‌کند درخت طوبی را پس نزدیک می‌کند شاخه‌های خود را بر این دنیا آن گاه ندا می‌کند منادی پروردگار ﷻ، ای بندگان خدا این شاخه‌های درخت طوبی است پس در آویزید به او که بلند کند شما را به سوی بهشت و این شاخه‌های درخت زقوم است پس بترسید از او که شما را به سوی دوزخ نبرد، رسول خدا ﷻ فرمود: قسم به آن کسی که مرا به راستی به رسالت مبعوث نموده هر کس فرا گیرد دری از خیر و نیکی را در این روز پس به درستی که به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی در آویخته، پس او کشاننده اوست به سوی بهشت و هر کس فرا گیرد دری از شر را در امروز پس به درستی که به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت زقوم در آویخته، پس آن کشاننده اوست به سوی آتش. آنگاه فرمود: هر کس در این روز برای خدا نماز مستحبی بخواند، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ هر کس در این روز صدقه دهد، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ هر کس از ستمی درگذرد، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است، هر کس بین شوهر و همسرش، بین پدر و فرزندش، بین خویشاوندانش، یا مرد و زن همسایه اش، یا مرد و زن بیگانه آشتی دهد، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ هر کس در دین آن کس که در تنگی و سختی است، تخفیف دهد یا از آن درگذرد، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ هر کس به حساب خویش نظر کند و دینی را ببیند که صاحبش از آن مایوس شده است، پس آن دین را ادا نماید، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته

است؛ هرکس سرپرستی یتیمی را به عهده گیرد، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ هرکس مانع شود که سفیهی، آبرو و حیثیت مؤمنی را ببرد، به شاخه‌ای از طوبی درآویخته است؛ هرکس یاد خدا و نعمت‌های او کند، و سپس خدا را شکر کند، به شاخه‌ای از شاخه‌های طوبی درآویخته است؛ هرکس در این روز مریضی را عیادت کند، به تشییع جنازهای برود و مصیبتی را به کسی تسلیم گوید، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ هرکس در این روز به والدین خود یا یکی از آن دو، نیکی کند، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ و هرکس والدین خود را قبل از این روز خشمناک کرده باشد، و در این روز آن دو را خوشنود سازد، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است؛ و بدین گونه، هرکس در این روز کاری از کارهای خیر انجام دهد، به شاخه‌ای از طوبی در آویخته است.

بهشت با همه‌ی مقامات و درجاتی که دارد، درهایی از آن به روی دنیا باز شده و این عالم آمیخته به آن عالم است؛ همانگونه که درهایی از جهنم باز شده است. گناهان درهای جهنم هستند؛ اگر کسی دروغ گفت بابتی به رویش از جهنم باز شده است که از این در وارد جهنم می‌شود؛ اگر غیبت کرد، تهمت زد، سوء ظن به مؤمن پیدا کرد، خیانت به مؤمنین کرد و خدمت به دشمن کرد درهایی از جهنم به رویش باز شده است و وارد جهنم شده است؛ این یک مرتبه است. کسی اگر صفات رذیله داشته باشد، مثلاً بخیل و حسود و متکبر و معجب به نفس و غافل از حضرت حق باشد و حریص به دنیا باشد، نیز چنین است.

از آن طرف هم اعمال خیر درهای بهشت هستند؛ انسان عبادت می‌کند، نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد، خدمت به مؤمنی می‌کند، دفاع از مؤمنان و جهاد در راه خدای متعال می‌کند، شب زنده داری می‌کند و ذکر می‌گوید. کسی که صفت توکل و یقین دارد؛ صابر و زاهد در دنیا است، شجاع و صبور و اهل یقین و اهل تسلیم و اهل توکل است، و... تمام اینها درهای بهشت هستند که به روی انسان باز می‌شوند و یک قدم لطیف‌تر اینکه حقیقت بهشت چیزی جز مقامات نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیست. هیچ مقامی از مقام بهشت نیست که درجه‌ای از درجات امیرالمؤمنین علیه السلام و مقامی از مقامات ولایت ایشان نباشد. این باطن بهشت است؛ همانگونه که خیلی از درکات جهنم و عذاب جهنم هم درجات اولیاء طاغوت است. باطن جهنم، ولایت آنهاست. «ولایة عدو آل محمد هی النار» (همان، ج ۲۴، ص ۳۲۱).

محیط باطنی جهنم، محیط ولایت اولیاء طاغوت است همانگونه که همه‌ی نعمت‌های بهشتی ثمرات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است، همه‌ی عذاب‌های جهنم شعبی از ولایت اولیاء طاغوت هستند.

بر اساس آنچه از روایات فوق برمی‌آید، طوبی درختی است در بهشت و همانگونه که نور خورشید در همه‌ی خانه‌ها وارد می‌شود، شاخه‌های آن در خانه همه‌ی بهشتیان کشیده شده است، در هر شاخه‌ای از آن میوه‌ها و نعمت‌هایی است که نه چشمی دیده و نه گوش شنیده و نه در خاطر کسی خطور کرده است. آن درخت را خداوند با دست قدرت خود آفریده است و آن را جانی داده است که شیعیان و درجات آن‌ها را می‌شناسد، و بهشتیان هرگونه زینتی که بخواهند و هر نوع میوه که تمایل داشته باشند از آن درخت می‌چینند و این درخت، ثمره‌ی محبت اهل بیت علیهم السلام و بهره‌مندی از وجود مطهر ایشان است.

واقعیت طوبی، نزهت و قداست است، و چون دارای فروع و شاخه‌هایی است و طهارت و قداست به انواع و اشکالی متحقق می‌گردد، در آخرت نیز به صورت درختی است که دارای شاخه و فروع نیکو و با ثمر است. و چون اصل درخت طهارت، ولایت است که از آن هر خوبی و هر خیری مترشح می‌شود، و بدون ولایت هیچ چیز دارای ارزش نیست، بنابراین ریشه و اصل این درخت در خانه‌ی ولایت است. این درخت از معدن ولایت رشد و نمو می‌کند، و شاخه‌های آنکه طهارت، رحمت، عافیت، ایثار، انفاق، عبودیت، عبادت، جهاد، نماز، روزه و سایر افعال و صفات پسندیده است، همه از این تنه و ریشه منشعب می‌گردد، و هر شاخه‌ای از این ریشه نیرو می‌گیرد و رشد پیدا می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

هر چند شجره در لغت معانی متفاوتی دارد اما به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین این معانی اصل و دودمان می‌باشد. این معنا با آنچه که در روایات در رابطه با شجره‌ی طوبی که بر دودمان و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تطبیق شده است، سازگاری دارد.

طوبی، اصل ایمان و محبت اهل بیت علیهم السلام است که توسط خداوند در قلب بندگان خاص نهاده شده است؛ و حقیقت

آن در مرتبه‌ی والای آن وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام است؛ همچنین طوبی، درخت ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که به واسطه‌ی حضرت زهرا علیها‌السلام به اولادشان که ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند، منتقل شده است.

طوبی همان سدره المنتهی است که در شب معراج، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشان داده شد؛ بهره‌ای برای شیعیان و محبان این خاندان است و تمام خیرات و برکاتی که به مؤمنان افزوده می‌شود از این درخت نشأت می‌گیرد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد، *علل الشرایع*، قم: انتشارات داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۲. _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۳. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، لبنان: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. حرعاملی، محمدحسن، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۶. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر*، مصحح: عبد اللطیف حسینی کوهکمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۷. سلطان علی شاه، سلطان محمد، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیتا.
۸. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات، بیتا.
۹. طبرسی، احمد، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: انتشارات مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. طبرسی، فضل، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. طوسی، محمد، *تفسیر التبیان*، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بیتا.
۱۳. عیاشی، محمد، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.

۱۵. کاشانی، فتح الله، خلاصه المنهج، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۶. کوفی، فرات، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. نوری، حسین، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی